

Analysis of the Critical Discourse of Power in Nezami's Khosrow and Shirin

Zahra Amini Shalamzarri 

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**Mohammad Reza Nasr
Esfahani** * 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Seyedeh Maryam Rozatian 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Critical discourse analysis is one of the effective theories for analyzing the hidden layers of language and discourse. One of the main components for expressing the discourse goals is power. A famous theorist in the field of critical discourse analysis is Norman Fairclough who believes that power has an effect on social relations and discourse. In this research, an attempt has been made to explain the power in Khosrow and Shirin systems using a three-dimensional model of Fairclough. The main hypothesis of this research was that Nezami in Khosrow and Shirin has created a discourse appropriate to the power and social status of each character. Analyzing the poems of Khosrow and Shirin, it became clear that the different uses of words, the use of linguistic and grammatical aspects, the differences in persuasive methods, the different views of the characters in the story, and the ambiguity in speech depend on the difference in unequal power in the poems of Khosrow and Shirin.


Keywords: Critical Discourse Analysis, Fairclough, Khosrow and Shirin, Power.


- The present paper is adapted from a Ph.D. thesis on Persian language and literature at the University of Isfahan.


* Corresponding Author: m.nasr@lrt.ui.ac.ir

How to Cite: Amini Shalamzarri, Z., Nasr Esfahani, M. R., Rozatian, S. M. (2023). Analysis of the Critical Discourse of Power in Nezami's Khosrow and Shirin. *Literary Text Research*, 27(96), 173-201. doi: 10.22054/LTR.2021.51866.3021

تحلیل گفتمان انتقادی قدرت در خسرو و شیرین نظامی

زهرا امینی شلمزاری  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

محمد رضا نصر اصفهانی * دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

سیده مریم روضاتیان  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از نظریه‌های کارآمد برای تحلیل لایه‌های پنهان زبان و گفتمان است. براساس این نظریه، یکی از مؤلفه‌های اصلی برای بیان اهداف و اغراض گفتمانی، قدرت است. نورمن فرکلاف، نظریه‌پرداز مشهور حوزه تحلیل گفتمان انتقادی بر آن است که قدرت در روابط اجتماعی و به تبع آن گفتمان بسیار تأثیرگذار است. در این پژوهش کوشش شد با کاربرست الگوی سه بعدی فرکلاف، مؤلفه قدرت در منظومه خسرو و شیرین نظامی تحلیل و نمودهای زبانی آن از این منظر تبیین شود. فرضیه اصلی پژوهش این بود که نظامی در خسرو و شیرین، گفتمانی در خور قدرت و جایگاه اجتماعی هر یک از شخصیت‌های منظومه ساخته و پرداخته است. با تحلیل منظومه خسرو و شیرین در سه سطح الگوی فرکلاف، روشن شد که کاربرد متفاوت الفاظ، استفاده از وجه‌های مختلف زبانی و دستوری، تفاوت شیوه‌های اقناعی، دیدگاه متفاوت شخصیت‌های داستان نسبت به یکدیگر و صراحت و پوشیدگی در گفتار مستقیماً به تفاوت نقش قدرت نابرابر در منظومه خسرو و شیرین نظامی بستگی دارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، خسرو و شیرین، قدرت.

مقدمه

ادبیات را می‌توان با توجه به کارکرد ایدئولوژیک آثار ادبی و نقش قدرت در بافت موقعیت و اجتماعی که از آن منشأ گرفته است، تحلیل کرد. زبان در ساختار قدرت اجتماعی و سیاسی نقش بزرگی را ایفا می‌کند. قدرت شامل نهادها، روابط و تأثیرات مختلف آن‌ها در ساختارهای اجتماعی است. با توجه به اینکه زبان و دیگر امور اجتماعی با یکدیگر منسجم و به هم پیوسته هستند، متقاعد می‌شویم که زبان در اجتماع تنیده شده است. قدرت از زبان ناشی نمی‌شود، اما می‌توان از زبان برای به چالش کشیدن قدرت استفاده کرد (wodak, 2001: 11). «شعر نیز همچون کاربردهای زبانی دیگر، عرصه نزع بر سر سلطه است و در آن روابط نابرابر قدرت بازتولید می‌شود یا زیر سؤال می‌رود» (زمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

در تحلیل گفتمان انتقادی نیز قدرت و اصول آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. گفتمان همانند دیگر منابع ارزشمند اجتماعی، پایه‌های قدرت را شکل می‌دهد، قدرتی که بین افراد جامعه به گونه‌ای نابرابر توزیع شده است. همه افراد جامعه به صورت یکسان به امکانات دسترسی ندارند. این نابرابری در دسترسی، در مباحث گفتمان نیز نمود دارد (VanDijk, 2008: 67).

هدف تحلیل گفتمان انتقادی تجزیه و تحلیل آشکار روابط ساختاری سلطه، تبعیض، قدرت و کنترلی است که در زبان آشکار می‌شود (Blommaert, 2005: 24-25). تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی میان‌رشته‌ای است که از اندیشه‌های زبان‌شناسان، نشانه‌شناسان و آرای متفکرانی چون میشل فوکو^۱ سرچشمه گرفته است. «نورمن فرکلاف^۲ یکی از اندیشمندان برجسته رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است که در سال‌های اخیر کوشیده است تا به کمک این رویکرد به بسط شیوه‌های تحلیل زبانی بپردازد» (جهانگیری و بندریگی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹). «فرکلاف با توجه به رابطه دیالکتیکی که بین ساختارهای خرد گفتمان (ویژگی‌های زبان‌شناسی) و ساختارهای کلان گفتمان (ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی) قائل است بر این نکته تأکید می‌ورزد که ممکن است ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای خرد را تعیین کنند. ساختارهای گفتمانی نیز به نوبه خود ساختارهای ایدئولوژیک و گفتمانی را بازتولید می‌کنند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۱). به عقیده او، تحلیل گفتمان دارای سه ویژگی

1. Foucault, M.
2. Fairclough, N.

اصلی بوده که عبارت است از ویژگی رابطه‌ای^۱، دیالکتیکی^۲ و بین‌رشته‌ای^۳. تمرکز تحلیل گفتمان انتقادی نه بر اشخاص یا افراد، بلکه در روابط اجتماعی است. ممکن است گفتمان به عنوان نوعی آبره بسیط به نظر برسد، اما شامل مجموعه‌ای پیچیده از روابط است؛ همچون روابط میان انسان‌هایی که با یکدیگر صحبت می‌کنند، می‌نویسند و یا با راه‌های ارتباطی دیگر با هم مرتبط می‌شوند. همچنین روابط میان رویدادهای ارتباطی به هم پیوسته (گفت‌وگوها، مقاله‌ها، روزنامه‌ها و...) و آبره‌های گفتمانی پیچیده‌تر چون ژانرها و زبان‌ها را نیز دربر می‌گیرد (Fairclough, 2010: 3).

فرکلاف قدرت را یکی از مؤلفه‌های اصلی در تحلیل گفتمان برمی‌شمارد. رابطه قدرت از نظر او نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است؛ از این رو، او همچون سایر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان بر نقش برجسته زبان و ایدئولوژی در توجیه، تولید و بازتولید سلطه نابرابر قدرت تأکید می‌کند و توجه به عمیق‌ترین و ظریف‌ترین وجه اعمال قدرت در اجتماع را که افشای تزویر زبان است، وظیفه تحلیل گفتمان انتقادی می‌داند (رک: محسنی، ۱۳۹۱: ۶۷). ایدئولوژی‌ها می‌توانند سبب ایجاد و تغییر در روابط اجتماعی قدرت و سلطه شوند. دیدگاه انتقادی تحلیل گفتمان، نسبت به دیدگاه‌های صرفاً توصیفی ایدئولوژی که به روابط قدرت و سلطه توجه نمی‌کنند، دیدگاهی توانمندتر است (Fairclough, 2003: 9). او برای تحلیل متون، مدل سه‌بعدی (توصیف، تفسیر و تبیین) ارائه می‌کند. در این پژوهش کوشش شده است تا با به کارگیری مدل سه‌بعدی فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان رابطه قدرت در منظومه خسرو و شیرین بررسی و کاربردهای زبانی آن از این منظر تبیین شود.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه تبیین نقش قدرت بر مبنای تحلیل گفتمان در منظومه خسرو و شیرین پژوهشی صورت نگرفته است. از آنجا که قدرت در تحلیل گفتمان فوکو نقش اساسی دارد، غالب پژوهش‌های انجام شده نیز بر مبنای این رویکرد است. مقالاتی که نقش قدرت را در تحلیل گفتمان بر مبنای نظریه فرکلاف بررسی کرده‌اند، شامل مواردی هستند که در ادامه ارائه خواهد شد.

-
1. Relational
 2. Dialectical
 3. Transdisciplinary

ملک مرزبان و فردوسی (۱۳۹۰) در «گفتمان حکومتی در گلستان سعدی» عوامل قدرت و ایدئولوژی در اجتماع قرن هفتم را بررسی کرده‌اند. خزانه‌دارلو و جلال‌وند (۱۳۹۲) در «تحلیل انتقادی گفتمان قدرت در دو فصل از سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک توسی» گفتمان عقیدتی خواجه نظام‌الملک و سیاست تبعیض مذهبی او در جامعه را با استفاده از تحلیل گفتمان فرکلاف تحلیل کرده‌اند. جهانگیری و بندرریگی زاده (۱۳۹۲) در «زبان قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف» به آشکارسازی خصوصیات این رویکرد و ذکر تمایز آن نسبت به سایر رویکردهای مشابه پرداخته‌اند.

۲. روش پژوهش

در این جستار با توجه به موضوع پژوهش از دو روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابتدا با روش کتابخانه‌ای و اسنادی متون مورد نظر گردآوری شد و پس از مراجعه به متون لاتین تحلیل گفتمان انتقادی و به‌ویژه آثار فرکلاف و همچنین ترجمه‌های فارسی در این زمینه، مطالعات اولیه فیش‌برداری و ترجمه شد. در مرحله بعد منظومه خسرو و شیرین نظامی با توجه به روش تحلیلی متناسب با مباحث تحلیل گفتمان و اصلی‌ترین مؤلفه؛ یعنی قدرت و براساس سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی شد. همچنین با توجه به سطح دوم گفتمان؛ یعنی تفسیر به بینامتنیت و متون متناسب با منظومه نیز توجه و در سطح سوم مباحث تاریخی متناسب با مفهوم قدرت در اشعار نظامی تبیین شد.

۳. نظریه فرکلاف

بربنای نظریه فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی به سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تقسیم می‌شود. در سطح توصیف، گفتمان به‌مثابه متن (شامل تحلیل متون براساس واژگان، دستور، ساخت‌های معنایی بالاتر از جمله) و سطح تفسیر گفتمان به‌مثابه کردارها و کنش‌های گفتمانی است. در سطح تبیین، گفتمان براساس زمینه و کنش اجتماعی بررسی می‌شود.

۳-۱. توصیف^۱

در سطح توصیف، تجزیه و تحلیل به معنای شناسایی و مشخص کردن ویژگی‌های رسمی متن است (Fairclough, 1989: 26). «متن بر پایه ویژگی‌های زبانشاخی مانند آواشناسی،

واج‌شناسی، نحو، مباحث واژه یا صرف و معناشناسی و تا اندازه‌ای کاربردشناسی توصیف و تحلیل می‌شود» (حسینی مقدم و قوام، ۱۳۹۶: ۹۴). «توصیف در این مرحله به معنای شناخت متن در چهارچوب بافت متن و تلاش برای یافتن ارتباط منطقی میان کلمات و هم‌نشینی و هم‌آیی کلمات و واژگان است» (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹). الگوی ارائه شده در سطح توصیف شامل واژگان، دستور و ساخت‌های معنایی بالاتر از جمله است.

۳-۱-۱. واژگان^۱

واژگان در سه سطح ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی تحلیل می‌شوند.

۳-۱-۱-۱. ارزش‌های تجربی

در ارزش تجربی، تولیدکننده متن تجربه خود را از جهان طبیعی و اجتماعی بیان می‌کند. ارزش تجربی با محتوا، دانش و اعتقادات سرو کار دارد (Fairclough, 1989: 112). عبارت‌بندی دگرسان، عبارت‌بندی افراطی و روابط معنایی در این قسم جای می‌گیرند.

۳-۱-۱-۱-۱. عبارت‌بندی دگرسان^۲

Re wording اصطلاحی است که فرکلاف برای تغییر زبان گزارش در موقعیت تازه برمی‌گزیند. پیشوند Re در زبان انگلیسی معنی دوباره می‌دهد و به معنای آن است که مقصود و معنای خود را با واژه‌های دیگر بیان کنیم؛ به گونه‌ای که تنها واژگان تغییر کنند و مقصود همچنان ثابت باشد (Bradbery, 2011: reword). فرکلاف درباره آن چنین می‌گوید که عبارات به صورت منظم و حساب‌شده جایگزین عبارت دیگر می‌شوند که از نظر معنا در تقابل آگاهانه با یکدیگر قرار دارند (Fairclough, 1989: 133). در منظومه خسرو و شیرین، خسرو پادشاه است و در رأس قدرت قرار دارد، نظر همه اشخاص داستان نسبت به او مثبت است و عباراتی که در وصف او چه از زبان نظامی و یا اشخاص دیگر چون شاپور بیان می‌شود همه بار معنایی مثبتی را القا می‌کنند. برای مثال:

1. Vocabulary
2. Rwording

جهانی بینی از نور آفریده جهان نادیده اما نور دیده
گلی بی آفت باد خزانی بهاری تازه بر شاخ جوانی
(نظامی، ۱۳۷۸: ۶۹-۷۰)^۱

همه شخصیت‌های داستان به نوعی و با عبارتهای خاص خود این بزرگی را اقرار می‌کنند؛
فرهاد او را صاحب بخت و اقبال بلند می‌داند. مهین بانو نیز او را شکار شگرف می‌خواند. این
در حالی است که بهرام چوبین که داعیه سلطنت و پادشاهی دارد، خود را برتر از خسرو
می‌داند و او را با الفاظی چون کودک، پدرکش، شوخ سرافکن و... خطاب می‌کند:

کزین کودک جهانداری نیاید پدرکش پادشاهی را نشاید
ازین شوخ سرافکن سربتایید که چون سر شد سر دیگر نیاید
(همان: ۱۱۳)

شیرین نیز همواره در داستان به زیبایی ستوده می‌شود و عبارتهایی که در وصف او به
کار می‌رود، بار معنایی مثبتی دارد. مریم تنها رقیب شیرین در جایگاه قدرت است و با
صراحت تمام شیرین را دور از خدا، برنج سرد و خار می‌خواند:

ترا بی‌رنج حلوایی چنین نرم برنج سرد را تا کی کنی گرم
(همان: ۱۹۷)

۳-۱-۱-۱-۲. عبارت بندی افراطی

عبارت بندی افراطی «عبارت است از کاربرد نامعمول شمار زیادی از کلمات هم‌معنا در
عبارت بندی. این پدیده نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است» (فرکلاف، ۱۳۷۹:
۱۷۶). با توجه به نقش قدرت و اهمیتی که پادشاه در جامعه دارد شروع داستان با تولد خسرو
است که در وصف او چنین آمده است:

مبارک طالعی فرخ سریری به طالع تاجداری تخت گیری
(نظامی، ۱۳۷۸: ۴۰)

۱. تمام ارجاعات این مقاله از کتاب خسرو و شیرین نظامی تصحیح وحید دستگردی است.

افراط در به کار بردن واژگانی که لوازم پادشاهی و پس از آن طالع و بخت پادشاه را نشان می‌دهد، بازگوکننده آن است که خسرو حتی هنگام تولد دارای ویژگی‌های پادشاهی و صاحب بخت بلند است، اما در وصف شیرین آنچه افراط می‌شود، توصیف قدرت زیبایی اوست و نه قدرت اجتماعی و سیاسی:

چه دیدم؟ تیزرای بی تازه رویی مسیحی بسته بر هر تار مویی
(همان: ۴۰)

۳-۱-۱-۱-۳. روابط معنایی (هم‌معنایی^۱، تضاد معنایی^۲)

۳-۱-۱-۱-۳. هم‌معنایی

«موردی است که در آن کلمات دارای معنای یکسان هستند. یافتن روابط هم‌معنایی مطلق دشوار است؛ از این رو، در عالم واقع در پی روابط هم‌معنایی تقریبی بین کلمات هستیم. یک آزمایش ابتدایی برای هم‌معنایی این است که آیا کلمات را می‌توان تنها با تأثیر اندک بر معنا به جای یکدیگر به کار برد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۷). آنچه فرکلاف در این مورد بیان می‌کند، شامل دو سطح است: اول آنکه روابط معنایی بین واژگان شناسایی شود و پس از آن ایدئولوژی خاصی که در بستر نوع گفتمان با روابط معنایی ایجاد می‌شود، تفسیر شود. آنچه در روابط هم‌معنایی ارزشمند است، ایدئولوژی است که گاه متناسب با آن واژگان در یک گفتمان هم‌معنا می‌شوند؛ در حالی که در گفتمان دیگر ممکن است هم‌معنا نباشند (Fairclough, 1989: 115). در نمونه‌هایی که در وصف خسرو بیان شد، واژگانی کنار هم قرار گرفته‌اند که هم‌معنا نیستند، اما در این گفتمان و متناسب با ایدئولوژی حاکم بر متن برای بیان یک هدف مشترک کنار هم قرار گرفته‌اند. برای مثال:

سکندر مویکی داراسواری ز دارا و سکندر یادگاری (۶۷)
(نظامی، ۱۳۷۸: ۶۷)

کنار هم قرار گرفتن این واژگان در ابیات برای نشان دادن عظمت و دلیری خسرو است. آنچه در وصف شیرین به کار می‌رود، زیبایی و یا تنهایی و دورماندن او از خسرو است:

1. Ssynonymy
2. Aantonymy

بت تنهانشین ماه تهی رو تهی از خویشتن تنها ز خسرو (۱۹۹)
(همان: ۱۹۹)

۳-۱-۱-۱-۲. تضاد معنایی

«همان ناسازگاری معنایی است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸) در منظومه خسرو و شیرین علاوه بر بازی‌های زبانی و هنری کاربرد تضاد بیشتر برای بیان حال دو گانه شیرین است. شیرین نسبت به خسرو موقعیت اجتماعی پایین‌تری دارد و نمی‌تواند آشکارا خواسته‌های خود را مطرح کند. به‌عنوان یک زن در جامعه توانایی عملی کردن خواسته خود؛ یعنی ازدواج را ندارد، پس از طرفی خسرو را از وصال دل‌سرد می‌کند و از طرف دیگر او را همچنان در کمند عشق خود اسیر نگه می‌دارد:

کمان ابرویش گر شد گره گیر کرشمه بر هدف می‌راند چون تیر
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۵)

اما خسرو مقتدر است و گفتار او با صراحت بیان می‌شود و همواره خواسته خود را با یک‌دلی اجرا می‌کند.

۳-۱-۲. ارزش رابطه‌ای

ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی که در متون گفتمان مطرح می‌شود، سر و کار دارد (Fairclough, 1989: 112). چگونگی گزینش واژگان متن گویای روابط مشارکین گفتمان است و می‌تواند آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. ارزش‌های رابطه‌ای به دو بخش حسن تعبیر و استفاده از زبان رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود.

۳-۱-۲-۱. حسن تعبیر

«حسن تعبیر» از نظر فرکلاف «درباره کلماتی به کار می‌رود که برای اجتناب از ارزش‌های منفی جانشین کلمه‌ای متعارف‌تر یا آشنا تر می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۷۹). در منظومه خسرو و شیرین تمامی اشخاص داستان به غیر از بهرام چوبین پادشاه را ستایش می‌کنند. اما خسرو که در رأس حکومت قرار دارد، اگر افراد طبق خواسته او رفتار کنند، برایش عزیز هستند و اگر مطابق با خواسته او رفتار نکنند، قابل احترام نیستند. در این میان تنها کسی که

مطابق خواسته‌اش پیش نمی‌رود، شیرین است. به همین سبب در موقعیت‌هایی برای خطاب شیرین واژه‌هایی به کار می‌برد که فاقد حسن تعبیر است. برای مثال، زمانی که شیرین از در مخالفت با خسرو در می‌آید و راضی به بخشش نیست، خسرو او را چنین خطاب می‌کند:

که دیدی تا چه رفت امروز با من چه کرد آن شوخ عالم‌سوز با من
چه بی‌شرمی نمود آن ناخدا ترس چو زن گفתי کجا شرم و کجا ترس
(نظامی، ۱۳۷۸: ۳۴۶)

۳-۱-۲-۲. استفاده از زبان رسمی و غیررسمی

در منظومه خسرو و شیرین استفاده از الفاظ عامیانه و ضرب‌المثل‌هایی که با عقاید و باور عامیانه هماهنگی دارد، تنها از زبان شخصیت‌های اصلی و به‌نوعی صاحب قدرت به زبان می‌آید؛ زیرا اشخاص دیگر در این پایگاه نیستند که با طبقه بالاتر از خود با زبان غیررسمی سخن بگویند. شاپور، فرهاد و شکر اشخاصی هستند که در منظومه خسرو و شیرین قدرت چندانی ندارند، مخاطب آن‌ها افراد برتر هستند، سخن آن‌ها همیشه رسمی، محترمانه و از موضع ضعف و بدون کاربرد ضرب‌المثل است. یکی از این نمونه‌ها سخنان خسرو در راضی کردن شیرین به وصال است:

هر آنچ از عمر پیشین رفت گو رو کنون روز از نو است و روزی از نو
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲)

شیرین نیز برای بر حذر داشتن پادشاه از چنین وصالی از ضرب‌المثل استفاده می‌کند:

به گرمی کار عاقل به نگردد به تک‌دانی که بز فربه نگردد
(همان: ۱۵۵)

شخصیت قدرتمند دیگر در این داستان مهین بانو است. او هنگام سخن گفتن با خسرو از ضرب‌المثل بهره نمی‌گیرد؛ زیرا در مقام و مرتبه پایین‌تری قرار دارد، اما زمانی که با برادرزاده خود سخن می‌گوید و قصد نصیحت او را دارد، از ضرب‌المثل بهره می‌گیرد:

چنان زی با رخ خورشیدنورش که پیش از نان نیفتی در تنورش
(همان: ۱۲۰)

۳-۱-۳. ارزش‌های بیانی

ارزش‌های بیانی به ارزشیابی مثبت و یا منفی گویندگان زبان براساس ایدئولوژی تأکید می‌کند. در جامعه متناسب با نظام‌های ارزیابی ارزش‌گذاری مثبت و منفی امور مختلف براساس ایدئولوژی حاکم تأیید می‌شود (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۰-۱۸۲). ارزش بیانی کلمات همیشه مورد توجه افرادی است که از زبان اقناع‌کننده و ترغیبی بهره می‌برند و آنچه معنادار می‌شود، ایدئولوژی است (Fairclough, 1989: 119). در منظومه خسرو و شیرین ارزش‌گذاری امور مختلف براساس قدرت پادشاه انجام می‌شود. در زمان هرمز و متناسب با اهداف او عدالت و داد و آذنهایی مطلوب است. هرمز با زبان تهدید و به شیوه شرطی عدالت و عاقبت تجاوز از آن را به دیگران متذکر می‌شود:

اگر اسبی چرد در کشتزاری وگر غصبی رود بر میوه‌داری
سیاست را ز من گردد سزاوار برین سوگندهایی خورد بسیار
(نظامی، ۱۳۷۸: ۴۳)

اهمیت و ارزشمندی این نکته تا بدانجاست که از مجازات فرزند خود نیز دریغ نمی‌کند. خسرو در امر مملکت‌داری هم‌پایه پدر نیست. عیش و عشرت و خوش‌باشی را بیش از مملکت‌داری می‌پسندد. ارزش‌گذاری امور مختلف براساس ایدئولوژی از نظر خسرو و شیرین متفاوت است و همین مسئله عامل کشمکش در داستان است. خسرو که پادشاه خوشگذران است، آینده‌نگری را مدنظر قرار نمی‌دهد و در ماجرای وصال از شیرین خواستار دم‌غنیمت شمردن است. او برای این کار از زبان نرم و ترغیبی و پس از آن به تناسب مقامش از هشدار و تهدید بهره می‌گیرد:

توانم من کز اینجا بازگردم به از تو با کسی دمساز گردم
ولیکن حق نعمت می‌گذارم نظر بر صحبت دیرینه دارم
(همان: ۳۳۹)

این در حالی است که شیرین چنین درخواستی را امری منفی و نامطلوب می‌داند و با توجه به مسأله عفت و پاکدامنی حاضر نیست تن به چنین کاری بدهد، اما نمی‌تواند در مطرح کردن خواسته خود از زبان تهدید و هشدار استفاده کند. او زبان نصیحت و شرط را برمی‌گزیند و سعی می‌کند پادشاه را مجاب کند که خواسته‌اش در برابر ارزشگذاری شیرین منفی تلقی می‌شود و تنها با شرط عقد زناشویی در کنار خسرو خواهد بود:

که بی‌کاوین اگرچه پادشاهی ز من برنایدت کامی که خواهی
(همان: ۳۴۳)

۳-۲. دستور ۱

دستور نیز به سه سطح ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی تقسیم می‌شود.

۳-۲-۱. ارزش‌های تجربی

۳-۲-۱-۱. نسبت دادن فاعل یا کنشگر به فعل دیگر

با توجه به مقوله قدرت در منظومه خسرو و شیرین زمانی که پادشاه عمل ناپسند انجام می‌دهد، این امر به آسمان و فلک نسبت داده می‌شود. برای نمونه زمانی که حاسدان به نام خسرو سکه زدند و هرگز سعی در زندانی کردن او دارد، این کار به زمانه نسبت داده شده است:

چو خسرو دید کاشوب زمانه هلاکش را همی سازد بهانه
(همان: ۷۹)

زمانی که برای اولین بار همراهان شیرین تمثال خسرو را از او مخفی می‌کنند، این کار را منسوب به پری می‌کنند؛ زیرا در مقامی نیستند که بتوانند بی‌پروا آن را به خود نسبت دهند، پس با منسوب کردن آن به پری هم خواسته خود را انجام دادند و هم از خشم شیرین در امان ماندند:

بگفت این در پری بر می گشاید پری زین سان بسی بازی نماید
(همان: ۶۲)

۲-۱-۲-۳. مشخص یا نامشخص بودن کنشگران

کنشگران با اهداف خاصی برجسته و یا به سبب عدم نقشی مؤثر فراموش می شوند.^۱ با توجه به مسأله قدرت، نمونه ای یافت نشد که ذکر نام خسرو و شیرین فراموش شود، جز چند نمونه زمانی که شخصیت ها در جریان داستان نقش چندانی نداشته باشند، نه اسمی دارند و نه اشاره دقیقی به آن ها می شود. زمانی که شاپور برای اولین بار زیبایی شیرین را برمی شمارد، حاضران دربار به صدق گفتار او گواهی می دهند، اما از ذکر نام آن ها در متن خودداری شده است:

چو برگفت این سخن شاپور هشیار فراغت خفته گشت و عشق بیدار
یکیایک مهر بر شیرین نهادند بدان شیرین زبان اقرار دادند
(همان: ۵۴)

۲-۲-۳. ارزش رابطه ای

در این سطح از نظریه فرکلاف سه وجه اصلی جمله بررسی می شود: خبری، پرسشی و امری. در این سه وجه، فاعل جایگاه مشخص دارد؛ به این معنا که در وجه خبری جایگاه فاعل، دهنده اطلاعات و جایگاه مخاطب، گیرنده اطلاعات است. در جملاتی که وجه امری دارند، بحث قدرت مطرح می شود و گوینده در جایگاه قدرت از مخاطب خود چیزی را می خواهد. فرکلاف تصریح می کند که این سه وجه می توانند به جای هم به کار روند. برای مثال، گاه وجه پرسشی مطرح می شود و منظور وجه امری است^۲ (Fairclough, 1989: 125-126). براساس این پژوهش، استفاده از وجه خبری در منظومه خسرو و شیرین برای پیشبرد و روایت

۱. برای نامشخص بودن مراجعه شود به صفحه ۱۲۱ بیت های ۲ و ۳، صفحه ۱۴۷ بیت ۸، صفحه ۲۲۷ بیت ۱۶، صفحه ۲۲۶ بیت ۱۵، صفحه ۲۵۴ بیت ۱.

۲. برای نامشخص بودن مراجعه شود به صفحه ۱۲۱ بیت های ۲ و ۳، صفحه ۱۴۷ بیت ۸، صفحه ۲۲۷ بیت ۱۶، صفحه ۲۲۶ بیت ۱۵، صفحه ۲۵۴ بیت ۱.

داستان است. وجه پرسشی نیز بیشتر پرسش واقعی یا انکاری است^۱، اما آنچه جایگاه قدرت اشخاص داستان را نشان می‌دهد، استفاده از وجه امری است. خسرو پادشاه مقتدر داستان در بیشتر نمونه‌ها از وجه امری استفاده می‌کند، حتی زمانی که با شیرین از در خواهشگری، تمنا و تسلیم برمی‌آید وجه امری را برمی‌گزیند^۲:

بکن چندان که خواهی ناز بر من مزن چون رانندگان آواز بر من (۳۱۲)
(همان: ۳۱۲)

پس از او شیرین با توجه به قدرت خود از وجه امری استفاده می‌کند. البته شیرین زمانی که برای اولین بار خسرو را ملاقات می‌کند برای دعوت کردن او از وجه شرطی استفاده می‌کند و جانب ادب را نگه می‌دارد:

اگر تشریف شه ما را نوازد کمر بندد رهی گردن فرازد
(همان: ۱۱۷)

اما پس آنکه به سبب رفتارهای ناپسند خسرو دلیر شده در سخنانش پادشاه را امر و نهی می‌کند:

نیاید شه پرستی دیگر از من پرستاری طلب چابکتر از من
(همان: ۳۲۴)

فرهاد زمانی که شرط کنندن کوه را با خسرو در میان می‌گذارد، شیوه سخن خود را از مخاطب به غایب تغییر می‌دهد تا هرچند از وجه امری استفاده می‌کند، گفتارش آمریت کمتری داشته باشد:

۱. پرسش: نخستین بار گفتش کز کجایی؟ (نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

پرسش انکاری: به ترک لؤلؤ تر چون توان گفت؟ (همان: ۱۴۳).

تحقیر: چه جای است اینکه بس دلگیر جای است؟ (همان: ۱۰۵)

تقریری: چو شه فرمود گفتن چون نگویم؟ (همان: ۱۰۰)

۲. زمانی که با شیرین از در خواهشگری برمی‌آید از وجه امری استفاده می‌کند؛ نمونه بیشتر صفحه ۱۴۸ بیت ۵ و ۶، صفحه ۱۴۹ بیت ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳، صفحه ۱۵۲ بیت ۹، صفحه ۱۵۳ بیت ۱، ۲ و ۹، صفحه ۳۱۲ بیت ۱۵ و ۱۶

دل خسرو رضای من بجوید به ترک شکر شیرین بگوید (۲۳۶)
(همان: ۲۳۶)

۳-۲-۳. ارزش بیانی

در این مبحث وجهیت بیانی و تفاوت آن با وجهیت رابطه‌ای بررسی می‌شود. «وجهیت رابطه‌ای با اقتدار گوینده یا نویسنده سرو کار دارد و بسته به اینکه جهت اقتدار با کدام سو است از دو بعد برخوردار می‌شود: نخست در صورتی که مسأله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد از وجهیت رابطه‌ای سخن می‌گوییم و دوم اگر مسأله اقتدار گوینده یا نویسنده در رابطه با احتمال صدق یا بازنمایی واقعیت مطرح باشد با وجهیت بیانی سرو کار داریم؛ یعنی وجهیت ارزیابی گوینده/ نویسنده از صدق یک موضوع» (ر. ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۳). در مورد وجه رابطه‌ای می‌توان به نحوه رابطه خسرو با دیگران اشاره کرد. در گفتار او استفاده از وجهیت رابطه‌ای بسیار دیده می‌شود:

ترا بایدشدن چون بت پرستان به دست آوردن آن بت به دستان
(نظامی، ۱۳۷۸: ۵۵)

اگر وجه بیانی با توجه به آفریننده اثر بررسی شود در درجه اول به تلاش‌های نظامی در اثبات صدق و برحق بودن اثر خود می‌توان اشاره کرد؛ به گونه‌ای که نظامی در ابیات مختلف منظومه نمود می‌یابد؛ او پس از سخن گفتن از زبان شخصیت‌های داستان گاه از زبان خود نصیحت می‌کند و یا ارزشمندی اثر خویش را برجسته می‌سازد. او این داستان را یک حقیقت تاریخی می‌داند و اعتراف می‌کند که غیر از الفاظ شاعرانه و هنرنمایی چیزی بر اصل روایت نیفزوده است:

چو شد نقاش این بت‌خانه دستم جز آرایش برو نقشی نبستم
(همان: ۳۱)

و بلافاصله پس از آن تأکید می‌کند که گفتار او چیزی جز حقیقت و راستی نیست و زمانی که توانایی بازگو کردن راستی را دارد، هیچ‌گاه به دروغ نمی‌پردازد:

چو بتوان راستی را درج کردن دروغی را چه باید خرج کردن (۳۱)
(همان: ۳۱)

روشن است که روایت نظامی با منابع تاریخی و همچنین شاهنامه فردوسی اندکی متفاوت است و نظامی به این نکته اشاره می‌کند که منبع او برای نظم کتاب سیاه‌ای ارزشمند بوده که چندان شهرت نیافته است:

بیاضش در گزارش نیست معروف که در بردع سوادش بود موقوف
(همان: ۳۲)

علاوه بر موارد مذکور، نظامی به راستی روایت خود نسبت به روایت‌های دیگر اشاره می‌کند؛ زمانی که مریم می‌میرد، ابتدا روایت دیگران را بازگو می‌کند:

چنین گویند شیرین تلخ زهری به خوردش داد از آن کو خورد بهری
و گر می‌راست خواهی بگذر از زهر به زهرآلود همت بردش از دهر
(همان: ۲۶۶)

نظامی روایت دیگران در این مورد را دروغ می‌پندارد و آن را با فاعل نامشخص بیان می‌کند و پس از آن با تأکید بر کلمه راست به این نکته می‌پردازد که روایت او صحیح است. در مورد شخصیت‌ها نیز می‌توان این تلاش برای اثبات راستگویی را در نمونه سوگند بازجست. گوینده با ذکر سوگندهای پی‌درپی قصد دارد مخاطب خود را از راستی گفتار آگاه سازد. برای مثال، زمانی که خسرو از مریم می‌خواهد که شیرین را به قصر بیاورد، مریم اجازه استفاده از وجه رابطه‌ای، امری و گفتار مستقیم را نسبت به پادشاه ندارد، اما با ذکر سوگندهای پی‌درپی تلاش می‌کند، صدق گفتار خود را به پادشاه گوشزد کند و به نوعی او را به صورت غیرمستقیم هشدار دهد:

به تاج قیصر و تخت شهنشاه که گر شیرین بدین کشور کند راه
به گردن برنهم مشکین رسن را بر آویزم ز جورت خویشتن را
(همان: ۱۹۷)

۳-۳. قراردادهای تعاملی

قراردادهای تعاملی، شامل گفت و گو (مکالمه- مصاحبه) و تک گویی است. آنچه در این بخش مطرح می شود، نظام نوبت دهی در گفت و گو است. براساس روابط قدرت که بین افراد وجود دارد، آن ها می توانند تصمیم بگیرند که صحبت کننده بعدی در گفت و گو چه کسی باشد. گاه این قدرت نابرابر است؛ مانند معلم و دانش آموز و یا برابر است که در این صورت شرکت کنندگان در گفت و گو بر مبنای توافقی که با هم دارند، شروع به سخن گفتن می کنند. در منظومه خسرو و شیرین نیز خسرو پادشاه است و پادشاه بالاترین مقام قدرت را دارد و می تواند دیگران را در سخن گفتن کنترل کند. استفاده از وجه امری مشخصه اصلی گفتار اوست که در کنترل دیگران نقش به سزایی دارد، اما او توانایی تسلط بر شیرین را ندارد و نمی تواند او را با گفتار خویش خام کند. شیرین شخصیت متواضعی دارد و جز مواردی که احساس کند به شخصیت او توهین شده است با هیچ کس گستاخانه سخن نمی گوید و دیگران را در سخن گفتن کنترل نمی کند. فرهاد شخصی بی پروا و بی توجه به منصب و مقام پادشاه است و در مناظره ای که بین او و پادشاه رخ می دهد، خسرو توانایی مقابله و قانع کردنش را ندارد. شخصیت های قدرتمند داستان به نوع دیگری قدرت خود را هنگام سخن گفتن اظهار می کنند؛ بدین صورت که حتی سخنان شخص شاه هم آن ها را وادار به تسلیم نمی کند.

نکته قابل توجه راهکارهایی است که مشارکین گفت و گو متناسب آن یکدیگر را کنترل می کنند؛ این راهکارها عبارتند از: قطع صحبت دیگران^۱، اجبار دیگران در صریح سخن گفتن^۲، کنترل موضوع صحبت^۳.

قطع صحبت دیگران می تواند شامل نمونه هایی چون مخاطب قرار دادن صریح شخصی برای سخن گفتن، تشویق و تأیید گفته های دیگران هنگام سخن گفتن آنها، قطع سخن دیگران و راهنمایی کردن آن ها در گفتار برای سوق دادنشان به مسیری باشد که از نظر هدایت کننده صحیح است (Fairclough, 1989: 44-45). در منظومه خسرو و شیرین

-
1. Interruption
 2. Enforcing explicitness
 3. Controlling topic

هنگامی که خسرو از شاپور درخواست می‌کند که شیرین را پنهان از مریم به قصر بیاورد، شیرین این درخواست را دون شأن خود می‌داند و برای اولین بار گستاخی می‌کند:

مگو چندین که مغزم را برفتی کفایت کن تمام است آنچه گفتی
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۹۹)

او با کلماتی چون مگو، کفایت کن، تمام است، سخنان شاپور را قطع می‌کند و در مقام قدرت با او سخن می‌گوید. درباره کنترل موضوع بحث می‌توان گفت خسرو و شیرین هر دو شخصیت‌های قدرتمند در داستانند و هر یک خواسته‌ای دارند که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. در مناظره‌ای که میان آن دو رخ می‌دهد، هنگامی که شیرین اجازه ورود به قصر را به خسرو نمی‌دهد، هریک سعی می‌کنند دیگری را در سخن گفتن کنترل کنند، اما هر دو شخصیت‌های مقتدری هستند و تن به خواسته‌های یکدیگر نمی‌نهند. در منظومه خسرو و شیرین شخصیت‌ها با یکدیگر صریح سخن می‌گویند و پادشاه سخنان هیچ کسی را در لفافه نمی‌بیند، اما فرهاد از این حکم مستثنی است، سخنان او تماماً دوپهلوی است؛ بنابراین، بین صراحت و ابهام سخن و قدرت گوینده، رابطه‌ای وجود دارد؛ فرهاد با دوپهلویی به نوعی قدرت نسبی خود را در برابر خسرو به رخ می‌کشد. او عاشقی است که چیزی برای از دست دادن ندارد و این موضوع باعث شده که نسبتاً قدرتمند شود.

بگفت او آن من شد زو مکن یاد بگفت این کی کند بیچاره فرهاد
(همان: ۲۳۵)

۴. تفسیر^۱

تفسیر با رابطه بین متن و تعامل مرتبط است و متن را به عنوان محصول فرآیند تولید و یک منبع در روند تفسیر در نظر می‌گیرد (Fairclough, 1989: 26). «تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از این دومی دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). منظومه خسرو و شیرین بر مبنای تفسیر در دو بخش اصلی بافت موقعیت و بافت بینامتنیت تحلیل می‌شود.

۴-۱. بافت موقعیتی

در بافت موقعیتی ظاهر و محتوای اثر برای دست یافتن به ساختار و جانمایه متن ارزیابی می‌شود (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۳-۲۲۵). منظومه خسرو و شیرین داستان عشق و دلدادگی خسرو پرویز و شیرین است. داستان با عشق این دو آغاز می‌شود، افرادی در پیشبرد ماجرای وصال آن دو می‌کوشند؛ چون شاپور، نکیسا و باربد و کسانی به عنوان رقیب پای در میدان می‌گذارند؛ چون مریم، شکر و فرهاد. محور و جانمایه این منظومه بر پایه عشق بنا شده است؛ به گونه‌ای که خسرو پادشاه خوشگذران ساسانی در پایان منظومه به نمونه واقعی انسان عاشق بدل می‌شود. آنچه در این بخش از تحلیل باید مدنظر قرار گیرد، ارتباط بینامتنی منظومه خسرو و شیرین با مهم‌ترین منظومه غنایی پیش از آن؛ یعنی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و تفاوت موقعیت سراینده‌گان این دو منظومه است.

فخرالدین اسعد در نیمه نخست قرن پنجم می‌زیسته است. در زمان او طغرل اولین پادشاه سلجوقی بر مسند قدرت بود. در عهد طغرل، آلبارسلان و ملکشاه توسعه روزافزون دولت دیده می‌شد که با قدرتمندی، یک حکومت وسیع و نیرومند با استفاده از آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی ساخته بودند (ر.ک: صفا، ۱۳۷۳: ۱۶۴). «سختگیری‌های مذهبی از همان آغاز حکومت سلجوقی شروع شد و راه افراط پیمود. مسلماً پس از محکم شدن جای پای اهل تسنن نوبت به برتری‌جویی‌های پیروان فرق مختلف مذهب تسنن نیز می‌رسید، پس برخوردهای درون مذهبی نیز به اختلافات برون مذهبی آن اضافه شد» (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۵۴). با این وجود جامعه زمان فخرالدین از نظر شرایط اجتماعی و مذهبی بر جامعه نظامی برتری دارد.

عصر نظامی دوران تعصب‌های مذهبی است. اصولاً شکست معتزله و برقراری اشعریان به معنای پایان دوران آزاداندیشی در مذهب است و فراتر از آن، این دوران عصر کوردلی، تنگ‌نظری، تعصب‌ها و سخت‌گیری‌های مذهبی، سقوط ارزش‌های انسانی-اخلاقی و ضدخردگرایی است (ر.ک: ثروت، ۱۳۷۰: ۲۳ و ۲۴). در مسلمان بودن این دو شاعر شکی نیست و آنچه مبهم است، گرایش‌های مذهبی آن دو است. صادق هدایت با توجه به یکی از اشعار منظومه ویس و رامین او را شیعه می‌داند (ر.ک: محجوب، ۱۳۳۷: ۱۳)، اما با توجه به تعصبات شدید مذهبی و اشاره فخرالدین به یکی از اصول سنیان که اطاعت از خدا، پیامبر و سلطان است، گمان سنی بودن او بیشتر می‌شود (ر.ک: گودرزپور، ۱۳۳۸: ۲۵ و ۲۴). «نظامی

مسلمان معتقد است و از اشعار او کاملاً روشن است که سنی مسلک است، اما روشن نیست که پیرو کدام یک از مذاهب اهل سنت است» (ثروت، ۱۳۷۰: ۳۶). می‌توان گفت این دو شاعر با توجه به تعصبات مذهبی به گونه متفاوت سعی در آشکار کردن مفاهیم دینی در منظومه خود دارند. علاقه عمومی و درخواست ابوالفتح، حاکم اصفهان، فخرالدین را به نظم ویس و رامین ترغیب کرد، اما چون این داستان با اصول و موازین اسلامی تناسب چندانی نداشت، شاعر عقاید اسلامی خود را در میانه ابیات منظومه گنجانده؛ مانند اشاره به گنهکاری آدم در بهشت و همچنین مسئله حجاب و پوشیدن روی زنان که در دوران زرتشت مرسوم نبوده، اما فخرالدین به سبب عقاید اسلامی آن را رسمی کهن می‌داند (ر.ک: محجوب، ۱۳۳۷: ۶۹-۷۳).

عقاید اسلامی در منظومه خسرو و شیرین به صورت آشکار کمتر دیده می‌شود، اما شاعر در پروراندن شخصیت شیرین متناسب با موازین اسلامی کوشیده تا کوچک‌ترین گرد اتهامی دامن او را نیالاید. در مورد اشارات آشکار نظامی به مفاهیم دینی می‌توان به مسئله نپذیرفتن اسلام از جانب خسرو و اقرار به برحق بودن حضرت رسول (ص) و همچنین مناجات شیرین و استفاده از احادیث عربی اشاره کرد.^۱ نظامی با توجه به این مسئله یعنی پایبند بودن جامعه به اصول و موازین اسلامی با منظوم کردن داستانی ساسانی و شرح پاکدامنی‌های شیرین در درک شرایط اجتماعی و قبول جامعه دینی از فخرالدین اسعد موفق‌تر بود و این اقدام او در پذیرش داستان غیردینی در جامعه اسلامی مؤثر واقع شد؛ در حالی که ذکر عقاید و اصول دینی در منظومه ویس و رامین سبب تغییر در اصل داستان نشد و همین امر سبب شد که این اثر در جامعه‌ای که هر روز شاهد سختگیری‌های بیشتر در امر مذهب بود به فراموشی سپرده شود.

۴-۲. بافت بینامتنی

روایتی که از داستان خسرو و شیرین در منظومه نظامی بیان شده است با شاهنامه فردوسی و دیگر کتب تاریخی متفاوت است. آنچه در کتاب‌های تاریخی درباره شخصیت خسرو ذکر می‌شود با روایت فردوسی در شاهنامه مطابقت دارد، اما نظامی شخصیت خسرو را در منظومه تغییر می‌دهد؛ به گونه‌ای که در پایان داستان به مقام یک عاشق واقعی می‌رسد. شیرین در

۱. رجوع شود به نظامی، ۱۳۷۸: صفحه‌های ۲۹۴ و ۴۳۰ تا ۴۳۳

منظومه نظامی با روایت‌های تاریخی، بسیار متفاوت است. در مجمل‌التواریخ به ذکر نام او بسنده می‌شود و از زیبایی او سخن به میان می‌آید: «دوازده هزار زن در شبستان او بودند، از بنده و آزاد از جمله مریم دختر ملک روم، بهرام‌دخت و کردیه و شیرین» (مجم‌التواریخ، ۱۳۸۱: ۷۹). ثعالبی نیز خسرو را مطابق با شخصیت تاریخی‌اش وصف می‌کند، اما شیرین در این روایت کنیزی است که خسرو چندان دل‌باخته او نیست. او همواره در مقام مقایسه با مریم منزلت پایینی داشت به همین سبب به مریم زهر می‌خوراند و او را می‌کشد تا خود جایگاه قدرتمندتری را کسب کند (ر.ک: ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۳۹-۴۴۰).

شیرین در شاهنامه برای خسرو پرویز همسری لایق و وفادار است تا معشوقی عشوه‌گر و فتان. خسرو بعد از آشنایی با شیرین در همان آغاز رسماً با او ازدواج می‌کند، اما در منظومه نظامی ماجرا طور دیگری است؛ خسرو و شیرین در عشق‌بازی حریفانی کهنه‌کارند و به تمام رموز عشق و عاشقی آشنا (ر.ک: اقبال، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

مقایسه شخصیت خسرو در شاهنامه و منظومه نظامی به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست؛ زیرا نظامی با رعایت جانب ادب از گفته‌های فردوسی چشم‌پوشی کرده و احوال ناگفته او را تکمیل کرده است؛ به نوعی که شخصیت خسرو شاهنامه و منظومه نظامی تکمیل‌کننده یکدیگرند، حال آنکه شیرین در منظومه نظامی و شاهنامه فردوسی دو شخصیت کاملاً متفاوت است. نظامی در زمینه شخصیت شیرین به آفرینش هنری و خلاق دست زده و از او نمونه زنی آرمانی ساخته است. شیرین در شاهنامه در پی قدرت بخشیدن به خود از انجام هیچ کاری فروگذار نیست؛ به گونه‌ای که حاضر به کشتن مریم دارای نژاد شاهی می‌شود:

به فرجام شیرین ورا زهر دارد شد آن نامور دخت قیصر نژاد
(فردوسی، ۱۳۷۸: ۱۶۰)

شیرین در منظومه نظامی صاحب قدرت است؛ زیرا برادرزاده مهین‌بانو است که در مقابل خسرو خود را چون افراسیاب در مقابل کیخسرو می‌داند. بر این اساس برای به‌دست آوردن قدرت، حاضر به کشتن کسی نیست و زمانی هم که خسرو بدون تخت شاهی از او طلب کام می‌کند در جوابش چنین می‌گوید:

نخواهم نقش بی دولت نمودن من و دولت به هم خواهیم بودن
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۵۵)

شخصیت دیگری که با شیرین قیاس شدنی است، ویس است. او در جامعه‌ای زندگی می‌کند که زنان ترس از نام و ننگ ندارند و به قول دایه‌ او:

اگرچه شوی نامبردار دارند نهانی دیگری را یاد دارند
(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۱۴: ۱۲۸)

ویس به راحتی دلدادۀ رامین می‌شود، خود را در اختیار او قرار می‌دهد و با گستاخی تمام با موبد از عشق خود سخن می‌گوید. شیرین قدرت چنین کاری را ندارد؛ زیرا او در جامعه‌ای زندگی کرده که ارزش زن حفظ نام اوست. هرچند شیرین در جامعه خود نمونه فرد مستقل و آزاد است، اما در مقایسه با ویس از قدرت کمتری برخوردار است. شخصیت رامین نیز در مقایسه با خسرو از قدرت کمتری برخوردار است. او به پادشاهی نیز بی‌توجه است و تنها زمانی که برادرش از دنیا می‌رود، به پادشاهی می‌رسد.

۵. تبیین^۱

هیچ متنی را نمی‌توان یافت که از فرهنگ و اجتماع خود تأثیر نپذیرفته باشد. «هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را تعیین می‌بخشد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). تأثیر فرهنگ و جامعه اسلامی در داستان نظامی مشهود است. از نمونه این تأثیرات می‌توان به گفتار خسرو در زمینه پاره کردن نامه پیامبر اکرم (ص) اشاره کرد؛ از آنجا که چنین عملی نکوهیده است نظامی با استفاده از مسأله بخت به توجیه آن می‌پردازد. زمانی که شیرین، پیامبر اکرم (ص) را مدح می‌کند و به خسرو پیشنهاد می‌دهد مسلمان شود، خسرو تأثیر بخت را برجسته می‌کند و با تأکید در برپا داشتن رسم کهن چنین می‌گوید:

1. Explanation

دلّم خواهد ولی بختم نسازد نوآیین آنکه بخت او را نوازد
(نظامی، ۱۳۷۸: ۴۳۴)

در این نمونه خسرو با وجود تمام قدرتی که دارد، خود را در مقابل بخت فاقد قدرت نشان می‌دهد. نظامی با چنین توجیهی سعی کرده است از منفور بودن چهره خسرو بکاهد. نکته دیگر تفاوت شخصیت شیرین در روایت نظامی با روایت‌های پیش از اسلام است، شیرین در روایت نظامی کاملاً مطابق با موازین اسلامی عمل می‌کند، اما شیرین در روایت‌های تاریخی کنیزی است که پس از ازدواج برای رسیدن به قدرت بیشتر، مریم را می‌کشد؛ در حالی که چنین رفتاری در اسلام مردود است.

تبیین با تعامل و بافت اجتماعی مرتبط است، با تصمیم‌گیری‌هایی که مرتبط با فرآیندهای تولید و تفسیر متن و تأثیرات اجتماعی آن‌هاست (Fairclough, 1989: 26).

منظومه خسرو و شیرین روایت‌کننده داستان پادشاهی خسرو پرویز ساسانی است. «در زمان ساسانیان مردم ایران به چهار گروه تقسیم می‌شدند: ۱- روحانیان، ۲- سپاهیان، ۳- عمال کشوری و ۴- برزگران و پیشه‌وران (نفیسی، ۱۳۸۸: ۱۷)». «در میان این طبقات مختلف نجای ایران و عامه مردم مملکت تفاوت بسیار بود؛ یعنی نجبا بر سایر مردم برتری داشتند، زنان آن‌ها جامه‌های ابریشمی می‌پوشیدند، شمشیرزنی و تیراندازی و سواری و شکار مخصوص آن‌ها بود... و بسیار کم می‌شد که کسی از طبقه پایین‌تر بتواند به طبقه بالاتر بیاید» (ر. ک: نفیسی، ۱۳۸۸: ۲۵). خسرو پرویز به این امر توجه کرده و با زیرکی خاص خود آیین باردهی را به گونه‌ای تنظیم کرده بود که هرکس به طبقه زیردست خود نظر بیندازد و شکرگزار موقعیت خویش باشد:

نخستین صف توانگر داشت در پیش دویم صف بود حاجتکار و درویش
سوم صف جای بیماران بی‌زور همه رسته به مویی از لب گور
چهارم صف به قومی متصل بود که بند پایشان مسمار دل بود
(نظامی، ۱۳۷۸: ۲۷۳)

با توجه به اینکه گذر از این سلسله‌های طبقاتی دشوار بود، شیوه‌ای که خسرو اتخاذ کرد، نشان از قدرت او در مقابله با چنین امری دارد. از دیگر مسائل مهم مطرح در زمان ساسانیان،

آزادی زنان و حضور آن‌ها در اجتماع و سیاست بوده که ادامه سنت کهن‌تری بوده است؛ «نکته مهم درباره جایگاه سیاسی زنان آن است که انگار برتری عام مردان بر زنان که در بیشتر تمدن‌ها پیش‌فرض گرفته می‌شده، در ایران‌زمین رواج نداشته است؛ یعنی چنین نبوده که نخست سلسله‌مراتبی سیاسی از مردان و بعد از ایشان سلسله‌مراتبی فرومایه‌تر از زنان وجود داشته باشد. در نتیجه چنین می‌نماید که نقش‌های سیاسی و موقعیت‌های درباری بسته به توانایی و مقام شخصی افراد تقسیم می‌شده است» (وکیلی، ۱۳۹۷: ۲۴۲). به‌همین دلیل مهین‌بانو در نصیحت به شیرین از او می‌خواهد هیچ‌گاه خود را کمتر از خسرو نشمارد:

گر او ماه است ما نیز آفتابیم وگر کیخسرو است افراسیابیم
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

در مقابل مریم که دختر پادشاه روم است، نسبت به زنان نظر دیگری دارد؛ در گفتار مریم تبعیض و برتری مردان نسبت به زنان دیده می‌شود که متأثر از جامعه‌ای است که در آن پرورش یافته است:

زنان مانند ریحان سفالند درون سو خبث و بیرون سو جمالند
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۹۷)

دیدگاه کلی نظامی نسبت به زن دیدگاه محترمانه‌ای است و نظر خود را نسبت به زن از زبان مهین‌بانو و شیرین ابراز می‌کند، اما به دلیل تفاوت نگاهی که در دوره سلجوقی نسبت به زن وجود داشت، این دیدگاه متفاوت را از زبان سایر شخصیت‌ها چون مریم و خسرو بیان می‌کند. دیدگاهی که در دوره سلجوقیان نسبت به زنان وجود داشت به تفاوت وجود مرد و زن تأکید می‌کرد؛ «هنگامی که سلجوقیان به آیین اسلام درآمدند، از زنان انتظار می‌رفت که حجاب بپوشند و در انزوای حرمسرا به سر برند. از این تاریخ به بعد از شرکت در امور طایفه خود محروم و مجبور شدند زندگی خود را در سایه حوادث عظیمی بگذرانند» (رایس، ۱۳۸۹: ۹۳).

بحث و نتیجه‌گیری

«قدرت» یکی از مؤلفه‌های اصلی تحلیل گفتمان انتقادی است، زیرا در اجتماع و طبقات مختلف نیز نقش انکارناپذیری را ایفا می‌کند. تأثیر نقش قدرت در روابط اجتماعی به گونه‌ای است که افراد در پیشبرد اهداف و خواسته‌هایشان جسور شده و یا به عقب رانده می‌شوند. نمود قدرت نه تنها در اجتماع، بلکه در زبان و گفتار اشخاص نیز آشکار می‌شود و آن‌ها متناسب با اختیاری که به واسطه نقش اجتماعی وابسته به قدرت دارند، زبانی متفاوت را برمی‌گزینند. در اجتماع بالاترین مقام و منصب به پادشاه اختصاص دارد و میزان قدرت او در به کارگیری الفاظ، جملات، شیوه خطاب دیگران و بیان تقاضا با دیگران متفاوت است. افراد جامعه به میزان پذیرش پادشاه به عنوان فرد قدرتمند جامعه، شیوه‌های گفتاری متفاوتی را به کار می‌برند. در منظومه خسرو و شیرین زبان اشخاص به سبب قدرت و موقعیت متفاوت اجتماعی آن‌ها از یکدیگر متمایز می‌شود. خسرو در رأس حکومت و صاحب قدرت است. زبان متفاوت او به سبب اقتداری است که در جامعه دارد؛ برای مثال، استفاده از واژگان با بار معنایی مثبت و منفی در مخاطب قرار دادن دیگران، افراط در به کار بردن واژگانی که مقام و منصب پادشاهی او را تأیید می‌کنند، صراحت بیان و ارزش‌گذاری او بر امور مختلف و تأکید بر خواسته‌های خود، استفاده از زبان رسمی و غیررسمی متناسب با موقعیت‌های دلخواه با قدرت او در جامعه ارتباط دارد. این در حالی است که زیردستانش همواره او را با الفاظ مثبت و نیکو مخاطب قرار می‌دهند و توانایی صراحت در گفتار و استفاده از زبان غیررسمی در حضور او را ندارند. در این میان دشمنان خسرو و همچنین شیرین که خود را در اجتماع قدرتمند می‌یابند در استفاده از زبان و بیان خواسته‌هایشان به نسبت دیگران آزادتر هستند. کاربرد وجه‌های مختلف نیز به میزان قدرت افراد وابسته است؛ به گونه‌ای که استفاده از امر و نهی رابطه مستقیمی با قدرت دارد و افراد، متناسب با نقش اجتماعی خود و اینکه طرف خطاب آن‌ها کیست و در چه موقعیتی قرار دارند از وجه امری و یا کاربرد امر به همراه شرط که آمریت کمتری دارد، استفاده می‌کنند. قدرت در زبان و اجتماع حضور فعال دارد. یکی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی، نقش و حضور زنان در جامعه متناسب با قدرت است. شیرین یکی از زنان قدرتمند جامعه است. موقعیت اجتماعی او در جامعه سبب می‌شود که در موقعیت‌های بسیاری در بیان خواسته‌هایش و یا امری که برایش ارزشمند است، جسور باشد، اما در نمونه‌های بسیار نیز به دلیل انتظارات جامعه از او به عنوان یک زن که صراحتی

در گفتارش ندارد و در بیان خواسته و تقاضایش از الفاظ متضاد بهره می‌گیرد، است. این کاربرد زبان متضاد به سبب آن است که در اجرای آنچه مطلوب جامعه است و خواسته خود دچار تردید می‌شود. این در حالی است که مردان قدرتمند جامعه همواره در بیان گفتار و خواسته‌هایشان صراحت بیان دارند.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش روشن می‌شود نظامی به عنوان آفریننده این اثر مؤلفه قدرت را در گفتمان منظومه خسرو و شیرین در نظر داشته و معیارهای متناسب با آن را در آفرینش شخصیت‌های داستان رعایت کرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Zahra Amini Shalamzarri



<https://orcid.org/0000-0002-3773-5524>

Mohammad Reza Nasr Esfahani



<http://orcid.org/0000-0002-1325-8217>

Seyede Maryam Rozatian



<https://orcid.org/0000-0002-1429-2409>

منابع

- ابوالقاسم فردوسی. (۱۳۸۷). *نامه باستان*. به کوشش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: سمت.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال، ابراهیم. (۱۳۸۳). مقایسه داستان خسرو و شیرین فردوسی با نظامی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره جدید (۳)، ۱۲۵-۱۳۶.
- ترکمنی‌آذر، پروین. (۱۳۸۵). سلجوقیان، اختلافات مذهبی و پیامدهای آن. *پژوهشنامه علوم انسانی*، (۵۱)، ۱۶۳-۱۸۴.
- ثروت، منصور. (۱۳۷۰). *گنجینه حکمت در آثار نظامی*. تهران: امیرکبیر.
- جهانگیری، جهانگیر و بندرریگی‌زاده، علی. (۱۳۹۲). زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان. *پژوهش سیاست نظری*، (۱۴)، ۵۷-۸۲.
- حسینی‌مقدم، اسما و قوام، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). تحلیل دگرگونی شخصیت شیرین از روایت فردوسی تا روایت نظامی با تکیه بر عناصر گفتمان‌مدار شاهنامه و خسرو و شیرین. *متن‌شناسی ادب فارسی*، (۱۴)، ۹۳-۱۱۳.

- حلمی، احمد کمال‌الدین. (۱۳۸۷). *دولت سلجوقیان*. ترجمه و اضافات عبدالله ناصری طاهری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رایس، تاراما تالبوت. (۱۳۸۹). *سلجوقیان در آسیای کهن*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زمانی، محمد مهدی، صفوی، کورش و ایران‌زاده، نعمت‌الله. (۱۳۹۶). رابطه قدرت و زبان در نخستین شعر نو فارسی. *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۸(۱۶)، ۱۵۷-۱۸۸.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات ایران*. خلاصه محمد ترابی. جلد اول و دوم. تهران: ققنوس.
- عبدالملک بن محمد اسماعیل ثعالی نیشابوری. (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالی*. ترجمه محمد فضائلی. تهران: قطره.
- فخرالدین اسعد گرگانی. (۱۳۱۴). *ویس و رامین*. به کوشش مجتبی مینوی. تهران: بروخیم.
- _____ . (۱۳۳۷). *ویس و رامین*. با مقدمه محمدجعفر محجوب. تهران: اندیشه.
- فر کلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گودرزپور، افسون. (۱۳۸۸). تطبیق دو اثر منظوم ترستان و یزولد اثر گو تفرید فون اشترااسبورگ و ویس و رامین از فخرالدین اسعد گرگانی. *مطالعات نقد ادبی*، ۱۴(۱)، ۸۹-۱۰۴.
- مجم‌التواریخ و القصص. (۱۳۸۱). *تصحیح ملک الشعراء بهار*. تهران: چاپخانه خاور.
- محسنی، محمدجواد. (۱۳۹۱). جستاری در نظریه و روش‌های تحلیل گفتمان فرکلاف. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۳(۳)، ۶۳-۸۶.
- ناصری، زهره‌السادات، فاروخی هندوالان، جلیل‌الله، ناصری، امین و محمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان براساس رویکرد نورمن فرکلاف. *علم زبان*، ۳(۴)، ۸۵-۱۱۰.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۸). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*. تهران: شرکت مطالعات نشر کتاب پارسه.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸). *خسرو و شیرین*. با حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: قطره.
- وکیلی، شروین. (۱۳۹۷). *تاریخ نهاد در عصر ساسانی*. تهران: شورآفرین.

References

- Abolqasem Ferdowsi. (2009). *Ancient Book*. By the efforts of Mir Jalaluddin Kazazi. Tehran: Samt. [In Persian]

- Abdul Malik bin Muhammad Ismail Thalabi Neyshabouri. (1990). *The history of Tha'labi*. Translated by Mohammad Fazaeli. Tehran: Qatre. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2007). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Blommaert, J. (2005). *Discourse: A critical Introduction*. Cambridge and New York: Cambridge. [In Persian]
- Eghbali, I. (2005). Comparison of the Khosrow and Shirin's Ferdowsi with Nezami. *Persian Language and Literature Research*, (3), 125-136.
- Fakhreddin Asad Gorgani. (1936). *Weiss and Ramin*. By the efforts of Mojtaba Minavi. Tehran: Brokhim. [In Persian]
- _____. (1959). *Weiss and Ramin*. Introduced by Mohammad Jafar Mahjoub. Tehran: Andisheh. [In Persian]
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. Publish in the United states of America. By Longman Inc. New York.
- _____. (2003). *Analysing Discourse*. New York. London: Routledge.
- _____. (2010). *Critical Discourse Analysis*. The critical study of language. Second edition. London and New York. Routledge.
- _____. (2001). *Critical Discourse Analysis*. Translated by Fatemeh Shayesteh Piran and others. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Gennifer, B. (2011). *Oxford American Dictionary*. oxford: University Press.
- Goodarzpour, A. (2010). Comparison of two poems by Tristan and Isold by Gottfried von Strasbourg and Weiss and Ramin by Fakhreddin Asad Gorgani. *Literary Criticism Studies*, (14), 89-104. [In Persian]
- Helmi, A. K. (2009). *Government of the Seljuks*. Translated by Abdullah Naseri Taheri. Qom: Research Center and University. [In Persian]
- Hosseini Moghaddam, A., & Qawam, Abu al-Qasim. (2018). Analysis of the transformation of Shirin personality from Ferdowsi narration to Nezami narration. *Textbook of Persian literature*, (14), 93-113. [In Persian]
- Jahangiri, J., & Bandar Rigizadeh, A. (2014). Language, Power, and Ideology in Norman Fairclough's Critical Approach to Discourse Analysis. *Theoretical policy research*, (14), 57-82. [In Persian]
- Mohseni, M. J. (2013). An Inquiry into the Theories and Methods of Fairclough Discourse Analysis. *Socio-cultural knowledge*, 3(3), 63-86. [In Persian]
- Mojmal al tavarikh va alghesas*. (2003). Correction Malek Alshoar bahar. Tehran: Chabkhaneh Khavar. [In Persian]

- Nafisi, S. (2010). *History of Sassanid Iranian Civilization*. Tehran: Parseh Book Publishing Studies Company. [In Persian]
- Naseri, Z., Faroghi Handvalan, J., Naseri, A., & Mohammadi, E. (2016). Critical discourse analysis of the story of Bonser Meshkan's death based on Norman Fairclough's approach. *Language science*, 3(4), 85-110. [In Persian]
- Nizami, Elias bin Yusuf. (2000). *Khosrow and Shirin*. Tehran: Qatre. [In Persian]
- Rice, T. T. (2011). *Seljuks in ancient Asia*. Translated by Roghayeh Behzadi. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Safa, Z. (1995). *History of Iranian Literature*. Summary of Mohammad Torabi. Vol. one and two. Tehran: Phoenix. [In Persian]
- Servat, M. (1992). *The Treasure of Wisdom in Nezami's Works*. Tehran: Amircabir. [In Persian]
- Turkmen Azar, P. (2007). Seljuks, Religious differences and their Consequences. *Journal of Humanities*, (51), 163-184. [In Persian]
- VanDijk, T. A. (2008). *Discourse and Power Contributions to Critical Discourse Studies*. Houndmills: palgrave.
- Vakili, Sh. (2019). *The History of the Institution in the Sassanid Era*. Tehran: Shoorafarin. [In Persian]
- Wodak, R. (2001). *What CDA is about- a Summary of its History Important Concepts and its Development*. in R. wodak and M. Meyer (eds.). *Method of critical Discourse Analysis*. London: sage. pp1-13.
- Zamani, M. M., Safavid, K., & Iranzadeh, N. (2018). The relationship between power and language in the first modern Persian poetry. *Linguistic and rhetorical studies*, 8(16), 157-188. [In Persian]

استناد به این مقاله: امینی شلمزاری، زهرا، نصرافهانی، محمدرضا و روضاتیان، سیده مریم. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی قدرت در خسرو و شیرین نظامی. *متن پژوهی ادبی*، ۲۷ (۹۶)، ۱۷۳-۲۰۱. doi: 10.22054/LTR.2021.51866.3021



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.